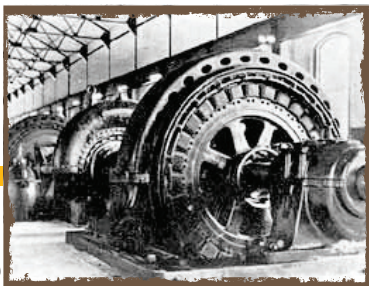


وقتی ژنراتور بیمارستان چراغ خانه‌ها را روشن می‌کرد



■ موضوع: بیمارستان ۱۵۰۱ ارتش
■ ویژگی: تأمین برق خانه‌های یوسف‌آباد از مرکز درمانی محله

پشت باغ بزرگی در یوسف‌آباد ساختمان بیمارستانی نمایان بود که بسیاری از نیروهای خدماتی و کارکنانش در یوسف‌آباد زندگی می‌کردند. بیمارستان ۱۵۰۱ ارتش یکی از مکان‌های قدیمی و با هویت تاریخی در یوسف‌آباد است. در مورد اینکه این بیمارستان چگونه ساخته شده است، علیرضا زمانی، تهران‌پژوه می‌گوید: «اواخر دوره قاجار وجیه‌الله میرزا سپهسالار که از رجال عهد قاجار و از ثروتمندان و زمین‌داران آن دوره بود، این بیمارستان را در اراضی یوسف‌آباد ساخت و آن را وقف کرد.»

جمشید رحمانی پناه از معتمدان و قدیمی‌های محله یوسف‌آباد خاطرات زیادی از این بیمارستان دارد. به گفته او تا سال‌ها روشنایی خانه‌های اهالی یوسف‌آباد از طریق این بیمارستان تأمین می‌شد و نقش مهمی در کیفیت زندگی اهالی داشت. رحمانی پناه می‌گوید: «باغ بزرگی در مجاورت بیمارستان ۱۵۰۱ ارتش قرار داشت که به قلمستان معروف بود. اهالی خاطرات زیادی از این باغ دارند به خصوص بچه‌ها، برای اینکه مردم یوسف‌آباد اغلب برای سیزده‌به‌در به این باغ می‌رفتند.»

او در ادامه از نقش ساخت این بیمارستان در زندگی اهالی یوسف‌آباد می‌گوید: «بیمارستان ۱۵۰۱ ارتش در دوره قاجار ساخته شد. از قدیمی‌های محل شنیده بودم که یکی از رجال سیاسی قاجار ۴۰ هزار

تومان پول داشت که نیت کرده بود در مانگه بسازد. در نهایت با خرید زمین‌های بالای باغ قلمستان این بیمارستان ساخته شد. بسیاری از پرستاران، خدمه و نیروهای فعال در این بیمارستان در یوسف‌آباد زندگی می‌کردند. نکته جالب اینکه ژنراتورهای بیمارستان برای نخستین بار چراغ خانه‌های یوسف‌آبادی‌ها را روشن کرد. ژنراتور بزرگی برای کارهای عکسبرداری و پزشکی در بیمارستان وجود داشت که یک سیم برق نیز از آن به سمت خانه‌های یوسف‌آبادی‌ها کشیده بودند. هر خانه تنها یک لامپ داشت و شب‌ها این لامپ‌ها روشن می‌شدند. گاهی اوقات ژنراتور گازوئیل خالی می‌کرد و شبانه باید به بیمارستان می‌رفتیم تا مشکل را حل کنیم.»

بیمارستان ۱۵۰۱ ارتش یوسف‌آباد مدتی سربازخانه و قرارگاه نظامی بود و در دوره پهلوی اول به بیمارستان تبدیل شد.

ماجرای آبادانی ترسناک‌ترین خیابان تهران



■ موضوع: خیابان ندید
■ ویژگی: یکی از مخوف‌ترین معبرهای تهران در غرب یوسف‌آباد

خیابان ندید در غربی‌ترین بخش یوسف‌آباد که امروز به نام خیابان شهید جهان‌آرا شناخته می‌شود تا اواسط دوره قاجار یکی از دره‌های مخوف تهران به شمار می‌رفت و به خاطر پرسه زدن گرگ‌ها در این محدوده، مردم نام دره‌گرگی را روی آن گذاشته بودند. جمشید رحمانی پناه، یکی از قدیمی‌ترین ساکنان یوسف‌آباد در باره روزگار قدیم دره‌گرگی می‌گوید: «محدوده دره‌گرگی از خیابان جهان‌آرای فعلی شروع می‌شد و تا امیرآباد ادامه پیدا می‌کرد. این محدوده جغرافیایی تا دوره پهلوی اول بیابان و تپه ماهور بود و مردم از ترس مواجه شدن با گرگ‌های ولگرد معمولاً از این مکان عبور نمی‌کردند؛ به همین دلیل مردم با گذر زمان نام «ندید» را روی این خیابان گذاشتند؛ چراکه طبق روایت قدیمی‌ها کسی جرأت قدم زدن در این خیابان را نداشت و اهالی در این خیابان یکدیگر را نمی‌دیدند.» او ادامه می‌دهد: «اگر بگویم ندید یکی از ترسناک‌ترین خیابان‌های تهران در دوره پهلوی اول بود، اغراق نکرده‌ایم. شاید به همین دلیل هیچ ملکی در این خیابان خرید و فروش نمی‌شد. زمین‌های خیابان ندید یا همان دره‌گرگی آن قدر کم ارزش بودند که خریدار و فروشنده مجبور می‌شدند از یک قاعده عجیب پیروی کنند. خریدارها در این خیابان سنگ پرتاب می‌کردند و هر جا سنگ فرود می‌آمد به عنوان محدوده ملک شخصی آنها تعیین می‌شد. بنا بر این خریداری که ضرب دست و زور بازوی بیشتری داشت، زمین بزرگ‌تری را تصاحب می‌کرد.» خرید و فروش در یکی از ترسناک‌ترین خیابان‌های تهران برای مدتی طولانی کساد بود، اما بعد از دهه ۵۰ سرنوشت این خیابان تغییر کرد. رحمانی پناه درباره پوست‌اندازی خیابان ندید می‌گوید: «در دهه ۶۰ خیابان ندید سر و سامان گرفت و قطعه زمین‌های ۴۰۰ و ۵۰۰ متری این خیابان به قیمت متری ۲ میلیون تومان خرید و فروش می‌شد؛ در حالی که قبلاً مردم با یک میلیون تومان حدود هزار متر زمین در این خیابان می‌خریدند. زمین‌های خیابان ندید بعد از اجرای طرح تفصیلی تهران، ارزش صدچندان پیدا کرد و امروز محل زندگی قشر بالادست جامعه است.»



یادگاری از مسجد تاریخی قلعه یوسف‌آباد

■ موضوع: مسجد قلعه و دیگر مساجد یوسف‌آباد
■ ویژگی: قدیمی‌ترین مسجد محله

محله یوسف‌آباد مسجد کم ندارد، اما حدود یک قرن پیش قلعه تاریخی یوسف‌آباد مسجدی قدیمی داشت که با معماری خاص زبازد تهرانی‌ها بود. دیگر از قلعه قدیمی یوسف‌آباد خبری نیست و سال‌هاست مسجد قدیمی آن جایش را به مسجد سالار شهیدان داده است. محسن شاعری از ساکنان قدیمی یوسف‌آباد که با خانواده‌اش در قلعه زندگی می‌کردند، می‌گوید: «آن روزها تنها یک مسجد داشتیم که به مسجد قلعه معروف بود. مسجد در سال ۱۲۸۵ ساخته شد و گلدسته نداشت و دیوارهای آجری بود، اما معماری باشکوه و خاصی داشت. آجرها به صورت مستطیلی و مشبک در کنار هم قرار گرفته بودند. شش‌سایه زنانه نداشت و زنان بیرون مسجد در فضایی که برای نماز در نظر گرفته شده بود نماز می‌خواندند. ماه محرم اعضای هیئت و دسته عزاداری بیرون مسجد مراسم برگزار می‌کردند و در داخل مسجد پذیرایی می‌شدند. وقتی بحث تقسیم اراضی و فروش آن به میان آمد فردی به نام رضاعلی زمین مسجد را خرید و آن را وقف کرد.» مسجد جمکران و مسجد مهدیه در یوسف‌آباد را اهالی خمین مقیم آنجا اداره می‌کردند. هنوز هم آنها متولی این مساجد هستند. علاوه بر مسجد شفا و مسجد سادات، مسجد حمزه و مسجد حضرت ابوالفضل (ع) نیز از مساجد این محله قدیمی است.



شهرت پلکانی یک محله

■ موضوع: پله‌های معروف یوسف‌آباد
■ ویژگی: زیبایی چشم‌نواز

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های محله یوسف‌آباد پله‌های معروف آن است؛ پله‌های زیبایی که این روزها به دلیل مرمت و بازسازی آنها با نمادهای ایرانی-اسلامی و وجهه بین‌المللی هم پیدا کرده‌اند. بسیاری حتی یوسف‌آباد را به واسطه همین پله‌ها محله ۴۰ پله می‌خوانند. این پله‌ها ۸ گانه که در دل طولانی‌ترین خیابان تهران و خاورمیانه واقع شده‌اند، یکی از جاذبه‌های گردشگری محسوب می‌شوند. این سرامیک‌ها با تکنولوژی‌های جدید ساخته شده و در مقابل فرسودگی و شرایط جوی بسیار مقاومند. بر اساس اسناد موجود، مشخص شده که پله خیابان اول جزو نخستین بناهای ساخته شده منطقه یوسف‌آباد است که حدود سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ شمسی، مرحوم حاج مصطفی انواری در داخل ملکش ساخته بود. جمشید رحمانی پناه، از اهالی قدیمی محله یوسف‌آباد درباره چیدمان جالب این پله‌ها پرآوازه می‌گوید: «زمین‌های یوسف‌آباد پستی و بلندی‌های زیادی داشت که به مرور زمان با توسعه و گسترش زندگی شهری تغییر کرد و به همین دلیل پله‌ها برای جبران این تفاوت ارتفاع و تردد آسان اهالی ساخته شدند. نخستین پله‌ها در تقاطع خیابان مستوفی، خیابان ولی‌عصر (عج) ساخته شدند و به ترتیب پله دوم، پله سوم و چهارم در پایان به خیابان آبشار منتهی می‌شوند. نکته جالب اینجاست که هر چه از همان خیابان پله اول به شمال محله نزدیک می‌شویم به تعداد پله‌ها افزوده می‌شود. برای مثال تعداد پله‌های خیابان چهارم یا آبشار به نسبت خیابان پله اول بیشتر است و این روند صعودی در حد فاصل این خیابان‌ها همچنان ادامه دارد.»